



معرفی کتاب

در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ آژانس تأیید کرد که ایران به تعهدات خود در توافق هسته‌ای عمل کرده است و بر همین اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد اجرایی شد و ایالات متحده تحریم‌های ثانویه مرتبط با هسته‌ای علیه ایران را لغو کرد. در حالی که آن تحریم‌های ثانویه برداشته می‌شدند، تحریم‌های «اولیه» آمریکا علیه ایران همچنان پابرجا بودند. این تحریم‌ها اکثر فعالیت‌های تجاری بین ایالات متحده و ایران، از جمله صادرات بیشتر کالاها یا خدمات از ایالات متحده به ایران را ممنوع می‌کند.

با این حال روند کوتاه محدودیت در گسترش تحریم‌های آمریکا علیه ایران خیلی زود متوقف شد. روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت‌ماه سال ۹۷ مصادف با ۸ می ۲۰۱۸ ترامپ رسماً خروج آمریکا از برجام را اعلام کرد و به تمامی شرکت‌ها و تجار فرصت داد ظرف مدت ۱۸۰ روز از فعالیت در ایران خارج شوند و قانون‌های تحریمی علیه ایران بازگشت.

تحریم‌های بین‌المللی ضربه‌های شدیدی به اقتصاد ایران وارد کرده است. در آوریل ۲۰۱۵، جیکوب لوی، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده تخمین زد که اقتصاد ایران ۱۵ تا ۲۰ درصد کمتر از آن چیزی است که اگر تحریم‌ها در سال ۲۰۱۲ تشدید نمی‌شد و تنها ۱۶۰ میلیارد دلار از درآمد نفتی از دست رفته بود. علاوه بر این، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران در حساب‌های محدود خارج از کشور نگهداری می‌شد. کمپین تحت رهبری ایالات متحده برای اعمال تحریم‌های بین‌المللی اقتصاد ایران را وارد یک رکود دوساله کرد که از آن با رشدی ملایم در سال ۲۰۱۴ خارج شد. در همین حال، ارزش ریال بین ژانویه ۲۰۱۲ تا ژانویه ۲۰۱۴ به میزان ۵۶ درصد کاهش یافت. طبق گزارش CRS، تورم به حدود ۴۰ درصد رسید.

▼ کتاب جنگ مالی

شیرین هانتر یا شیرین طهماسب که خودش پیش از وقوع انقلاب اسلامی در وزارت امور خارجه ایران خدمت می‌کرد، در مقدمه کتاب جنگ مالی نوشته است: «از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد تحریم‌های تجاری، مالی و بانکی به یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی آمریکا بدل شده است. این تحریم‌ها به دلایل گوناگون اتخاذ و اعمال شده‌اند و شدت و درجه فراگیری آنها در زمان‌های مختلف فرق داشته است. در میان کشورهایی که هدف تحریم قرار گرفته‌اند ایران شدیدترین و فراگیرترین و طولانی‌ترین تحریم‌ها را متحمل شده است.» هانتر پس از اشاره به تاریخچه شکل‌گیری و تکوین نظام تحریم‌ها علیه ایران در آمریکا اشاره می‌کند که «یکی از دلایل مهم

برای تمایل آمریکا به تحریم‌ها به‌عنوان ابزار سیاست خارجی نقش محوری دلار در مبادلات مالی بین‌المللی و نفوذ بانک‌ها و مؤسسات مالی آمریکا در سیستم مالی و اقتصادی بین‌المللی است. در عین حال بازار وسیع آمریکا بستبیری از کشورها را وادار می‌کند که از تحریم‌های آمریکا پیروی کنند تا زیان اقتصادی متحمل نشوند.» هانتر همچنین توضیح می‌دهد که «سیاست خارجی آمریکا از مجرای رویه‌های بسیار پیچیده‌ای تعیین می‌شود که در آن نه تنها رئیس‌جمهور و وزارت خارجه شرکت دارند، بلکه کنگره، گروه‌های لابی، اندیشکده‌ها و مطبوعات هم سهمیم هستند. بنابراین تصمیم به استفاده از تحریم‌ها از طریق تعامل این نهادها و گروه‌ها حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر خزانه‌داری تصمیم به اعمال تحریم نمی‌گیرد اما وقتی تصمیم گرفته شد در مدیریت آن نقش مهمی ایفا می‌کند و از سوی دیگر نقض تحریم‌ها را دشوار می‌کند. لازم به ذکر است در واقع پس از برقراری تحریم‌ها، نقش خزانه‌داری بسیار برجسته می‌شود و کشورهایی که هدف تحریم هستند باید به نقش خزانه‌داری توجه بیشتری کنند.»

هانتر در مقدمه خود تأکید می‌کند: «کتابی که آقای دکتر وحید نوری درباره تاریخچه و تحول تحریم‌ها به‌ویژه تحریم‌های مالی در آمریکا و شرایطی که باعث به‌وجود آمدن آنها و همچنین تبدیل آنها به یک ابزار مهم برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی نگاشته است، قدم بسیار مهمی است در آگاه ساختن هم‌پژوهشگران و هم سیاست‌گذاران و دیپلمات‌های ایرانی. مطالعه این کتاب بدون شک می‌تواند کمک مهمی باشد برای سیاست‌گذاران policy makers تا بتوانند راهکارهای کارآمدتری برای رویارویی با تحریم‌های فعلی و چالش‌های آینده برگزینند.»

کتاب جنگ مالی اثر وحید نوری که به موضوع «تحریم‌های مالی ایالات متحده علیه ایران» اختصاص دارد، در ابتدا با توضیح تکوین رژیم حقوقی مبارزه با پولشویی پیش از دستورکارهای سیاسی و قانون رازداری بانکی گزارش تراکنش پولی و فعالیت مشکوک به تشریح وضعیت قوانین مالی آمریکا پرداخته است. نویسنده در این بخش اشاره می‌کند: «آنچه امروزه در سطح جهانی با عنوان «رژیم حقوقی مبارزه با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و اشاعه» شناخته می‌شود-و ماه به اختصار آن رژیم مبارزه با پولشویی یا AML/CFT می‌نامیم- «رژیمی است متشکل از استانداردهای جهانی مبارزه با پولشویی و قانونگذاری ملی در راستای اجرای آن استانداردها»، هدف مبنایی این رژیم حقوقی، مقابله با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، تحقیق از جرایم و موارد پولشویی یا تأمین مالی تروریسم و همچنین همکاری‌های بین‌المللی در این خصوص و نهایتاً تعقیب و مصادره اموال و دارایی‌های مورد استفاده در اینگونه جرایم است. پهنم ماهیت جهانی این رژیم، واقعیت غیرقابل انکار آن است که بنیان‌های این رژیم حقوقی در قوانین آمریکایی مبارزه با پولشویی و تحولات آن ریشه دارد.»

نویسنده در این بخش توضیح می‌دهد که آمریکا چگونه با گسترش قوانین داخلی خود به عرصه بین‌المللی، نظام اف.ای. تی. اف را پی‌ریزی کرده و رژیم حقوقی مبارزه با پولشویی را بین‌المللی کرده است. نویسنده در بخش دوم به بررسی رژیم حقوقی مبارزه با پولشویی و دستورکارهای سیاسی-امنیتی آن پرداخته و نشان داده است که تأمین مالی تروریسم چه نسبتی با پولشویی دارد و سازوکارهای مرسوم پولشویی توسط تروریست‌ها چگونه است. این فصل تاریخچه‌ای از این موضوع را ارائه کرده و مبارزه با تأمین مالی تروریسم پیش از ۱۱ سپتامبر و پس از آن را توضیح داده است. پس از این حادثه بود که رژیم حقوقی مبارزه با تأمین مالی تروریسم به موضوعی بین‌المللی بدل شد و با شناسایی قلمروهای غیرهمکاری‌کننده و بررسی‌کردن مرحله جدید نظارتی از سوی اف.ای.تی. اف آغاز کرده است. رژیم حقوقی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی اشاعه سلاح‌های هسته‌ای نیز یکی از مباحث این فصل است. فصل سوم بنیان‌های اقتصادی-مالی، فنی-حقوقی و بوروکراتیک تحریم‌های مالی آمریکا را بررسی کرده است و با تبیین قدرت اقتصادی آمریکا در عرصه جهانی و مرکزیت دلار در تراکنش‌های مالی جهانی، نشان داده است که آمریکا از توانایی اعمال تحریم‌های قدرتمند جهانی برخوردار است. بسترهای فنی-حقوقی تحریم‌های مالی آمریکا که مبتنی بر خزانه‌داری ایالات متحده است ساختاری پویا در کاربست تحریم‌های مالی را فراهم می‌کند. اداره اطلاعات و تحلیل، اداره تأمین مالی تروریسم و جرایم مالی، شبکه اجرایی جرایم مالی (فینسن)، اداره اجرایی برای جرمه‌ها و اداره کنترل اموال خارجی (وفاک) از جمله ساختارهای خزانه‌داری کل آمریکا برای اعمال این سیاست‌ها در جهان هستند. در این بخش آمده است: «بر خلاف داده‌های حاصل از دیگر شیوه‌های جاسوسی که ممکن است همراه با تقلب، دروغ یا تفاسیر اشتباه منابع یا عوامل اطلاعاتی باشد، داده‌های مالی به ندرت مغایر با واقعیت هستند. اگر در دنیای واقعی نتوان ارتباطات افراد و نهادها را به آسانی رصد و کشف نمود، رد پول در نظام بانکی می‌تواند بهترین سرخ اینگونه روابط باشد. نمی‌توان انتظار داشت که تراکنش‌های مالی با حجم بالا و در مواردی تراکنش‌های متعدد میان افرادی در جریان باشد اما در عالم خارج از بانک، ارتباط واقعی میان آنها برقرار نباشد. به‌عنوان نمونه زمانی که از حساب‌های یک کارتل فعال در قاچاق مواد مخدر یا سازمان حامی تروریسم، وجهی به حساب فردی در کشور دیگر منتقل شود، با تعقیب این تراکنش و داده‌های نهفته در آن مانند آدرس و شماره تلفن می‌توان به فرد مورد نظر رسید.» در فصل چهارم نویسنده تاریخچه‌ای از تحریم‌های اعمالی آمریکا در قبال ایران ارائه کرده و نشان داده است که چگونه این ساختار پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران و سپس در قبال سیاست‌های منطقه‌ای و سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی شکل گرفته است. تحریم‌های هسته‌ای ایران به‌عنوان عامل مهم و اصلی گسترده‌گی این تحریم‌ها شمرده شده است. در این بخش آمده است: «سیاست تحریم مهمترین و کانونی‌ترین ابزار سیاست

کتاب جنگ مالی اثر

وحید نوری که به

موضوع «تحریم‌های

مالی ایالات متحده

علیه ایران» اختصاص

دارد. در ابتدا با توضیح

تکوین رژیم حقوقی

مبارزه با پولشویی

پیش از دستورکارهای

سیاسی و قانون

رازداری بانکی گزارش

تراکنش پولی و فعالیت

مشکوک به تشریح

وضعیت قوانین مالی

آمریکا پرداخته است.

نویسنده در این بخش

اشاره می‌کند: «آنچه

امروزه در سطح جهانی

با عنوان «رژیم حقوقی

مبارزه با پولشویی،

تأمین مالی تروریسم و

اشاعه» شناخته می‌شود

- و ما به اختصار آن را

رژیم مبارزه با پولشویی

یا AML/CFT

می‌نامیم - «رژیمی

است متشکل از

استانداردهای جهانی

مبارزه با پولشویی و

قانونگذاری ملی در

راستای اجرای آن

استانداردها»

خارجی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی بوده و هست. پس از آشکار شدن ابعاد برنامه هسته‌ای ایران، مقامات آمریکایی در خصوص کارآمدی تحریم‌ها در تغییر سیاست‌های ایران تردید جدی داشتند؛ چراکه جمهوری اسلامی در بیش از دو دهه گذشته هدف تحریم‌های واشنگتن بود و حتی تحریم صنعت نفت آن منجر به تغییر رویکردهای تهران نشده بود. زارانه، در کتاب خود با عنوان «جنگ خزانه‌داری» جزئیات دست‌اولی از نحوه طراحی و اجرای سیاست تحریم علیه برنامه هسته‌ای ایران روایت می‌کند. او که خود در این زمان از مقامات خزانه‌داری آمریکا بوده است، تشریح می‌کند که با آغاز بحران هسته‌ای خزانه‌داری مصمم گشت تا از ابزار جدید خود یعنی تحریم‌های مالی نهایت بهره‌برداری را علیه جمهوری اسلامی به عمل آورد. عدم انزوای اقتصادی مانند کره شمالی، درآمدهای سرشار نفتی و همسایگان متعدد، موجب تردید در موفقیت سیاست تحریم بود. با این حال، بررسی‌های خزانه‌داری از نظام مالی و بانکی ایران نقاط ضعف عمده‌ای را نشان می‌داد که از سوی آمریکا قابل بهره‌برداری بوده؛ نخست، قیمت‌گذاری و تجارت نفت وابسته به دلار و نظام مالی آمریکا بود و نفت ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود؛ دوم، بررسی جریان‌های مالی در بانک‌های بزرگ ایرانی حاکی از آن بود که بانک‌هایی نظیر صادرات، ملی، ملت و سپه در پرداخت‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران و حمایت از حزب‌الله لبنان فعال بودند. بانک‌های مزبور دارای شعبات مختلفی در اروپا، خاورمیانه و آسیا بوده و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی روزمره ایران نیز از مجرای همین بانک‌ها انجام می‌شد؛ سوم، بانک‌های ایرانی فاقد سازوکارهای نظارتی مبارزه با پولشویی بودند و این امر، ریسک بخش خصوصی در تجارت با بانک‌های ایرانی را افزایش داده بود.»

نویسنده با بررسی توافق جامع هسته‌ای (برجام) آن را توفقی در تحریم‌ها دانسته که در دولت دونالد ترامپ با خروج از برجام و بازگشت تحریم‌ها از بین رفته است. تلاش‌های اروپا برای حفظ برجام در کنار کمپین فشار حداکثری دولت آمریکا و تأثیرات اقتصادی تحریم‌های مالی ایالات متحده بر جمهوری اسلامی ایران بخش‌های بعدی این فصل هستند و با جزئیات و اطلاعات دقیق این موضوعات را بررسی کرده است. در بخشی از این فصل آمده است: «از مهمترین محورهای سیاست دولت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی، فشار روانی بر ایران، امنیتی‌سازی هرچه بیشتر فضای اقتصادی آن و ترساندن فعالین اقتصادی بین‌المللی است. خطابه‌های تند و توهین‌های جنجالی که می‌توان آن را ریسک ترامپ نامید، فضایی از عدم قطعیت پیش‌روی فعالین اقتصادی داخلی و خارجی قرار داد. به‌عنوان نمونه ترامپ در سخنرانی ۲۰۱۷ خود در سازمان ملل، حکومت ایران را دیکتاتوری فاسدی نامید که مهمترین صادرات آن خشونت، خونریزی و آشوب است. او ایران را متهم کرد که به جای استفاده از منابع خود برای بهبود زندگی شهروندان ایرانی، پول نفت را برای حمایت از حزب‌الله، حوثی‌های یمن و بشار اسد استفاده می‌کند. پس از خروج از برجام و بالاگرفتن تنش‌های لفظی میان طرفین، ترامپ در توهینتی با حروف بزرگ خطاب به رئیس‌جمهور روحانی چنین نوشت: «دیگر هرگز آمریکا را تهدید نکن، در غیراین صورت پیامدهایی را خواهی دید که کمتر کسی در تاریخ دیده است. ما دیگر آن کشوری نیستیم که سخنان ناخوشایندی که بوی مرگ و خشونت می‌دهد تحمل کنیم، مراقب باش!»

کتاب جنگ مالی در فصل بعدی براساس آمار و اطلاعات دقیق تأثیر تحریم‌ها در عرصه‌های گوناگون چون رشد اقتصادی، تورم و نقدینگی، اشتغال و بیکاری، نرخ ارز و ذخایر ارزی، بخش نفت و انرژی، صنعت، کشاورزی، خدمات، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، بازرگانی، رستوران و هتل‌داری، واصله‌گری مالی، قدرت خرید خانوارها، تشکیل سرمایه‌نات، تراز پرداخت‌ها(حساب جاری و سرمایه)، صادرات نفت خام، سرمایه‌گذاری خارجی و منابع درآمدی دولت (اعم از منابع درآمدی و هزینه‌ای به‌ویژه بودجه عمرانی) نشان داده است. این فصل نشان داده است که «بررسی روند منابع درآمدی دولت در بودجه سنواتی بیانگر آن است که با آغاز تحریم‌های هسته‌ای منابع درآمدی دولت از دو محل کاهش یافته است؛ نخست، کاهش درآمدهای نفتی و دوم، کاهش درآمدهای مالیاتی (برحسب ارزش تعدیل‌شده با نرخ تورم) در پی ایجاد رکود اقتصادی در کشور. از این رو انتظار می‌رود در سال‌های پس از خروج آمریکا از برجام با کاهش قابل توجه درآمدهای مالیاتی و نفتی، دولت با کسری بودجه قابل توجهی مواجه شود. از سوی دیگر با توجه به شرایط تورمی، انتظار می‌رود دولت کلیه منابع درآمدی را صرف هزینه‌های جاری کند و از بودجه عمرانی خود بکاهد.»

فصل هفتم تأثیرات تحریم‌های مالی آمریکا بر امنیت نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده و نشان داده که تحریم‌های مالی چگونه تهدیدات نظامی را گسترش داده و بر روند برنامه موشکی جمهوری اسلامی نیز تأثیر داشته و محدودیت‌هایی را در حمایت مالی از متحدین منطقه‌ای در پیش داشته است. این تحریم‌ها ضمن امنیتی کردن فضای جمهوری اسلامی ایران منجر به کاهش بودجه نظامی ایران شده و تهدیدات سیاسی را گسترش داده است و منجر به بحران کارآمدی و بحران مشروعیت شده و به عاملی چالشگر علیه اسلام سیاسی بدل شده است. در این بخش آمده است: «تحریم‌های مالی و چالش‌های اقتصادی ناشی از آن پرسشگری افکار عمومی را متوجه اسلام سیاسی نموده است؛ تحلیل محتوای ۳۳ شعار رده‌شده در فضای اعتراضات اخیر ایران بیانگر آن است که پس از شعارهای تجدیدنظرطلبانه ۱۸ مورد فراولنی، ۵ شعار علیه سیاست خارجی منطقه‌ای ایران در فلسطین، سوریه و لبنان صادر شده و تنها ۴ شعار با ماهیت اقتصادی دیده می‌شود. در کنار شعارهای تجدیدنظرطلبانه که علیه برخی از نهاد‌های حاکمیتی صادر شد، همچنین پرسش‌هایی در افکار عمومی پیرامون کارآمدی برخی از نهاد‌های انتصابی به‌ویژه با نظریه بودجه‌های اختصاص یافته به آنها ایجاد شده است.»

دیپلمات‌ها

M&E MIDDLE EAST EYE

ریاض میانجی تهران و واشنگتن

یک رسانه انگلیسی مدعی شد عربستان سعودی که در چند ماه گذشته روابط دیپلماتیک با ایران را از سرگرفته است، پس از در گرفتن جنگ غزه، به‌عنوان کانالی ارتباطی میان ایران و آمریکا به‌عنوان دو بازیگر مهم در اثرگذاری بر اوضاع منطقه عمل کرده است. یک رسانه انگلیسی با استناد به اظهارات منابع مطلع مدعی شد که با گذشت ۹ ماه از عادی‌سازی روابط تهران و ریاض، عربستان سعودی در حال ایفای نقش تازه‌ای به‌عنوان میانجی در روابط ایران و آمریکا است. پایگاه خبری انگلیسی میدل ایست‌ای در این باره نوشت: مقامات عالی‌رتبه در ریاض در انتقال پیام میان این کشورها و کاهش تنش‌ها بر سر جنگ غزه کمک کرده‌اند. این روند در نوامبر گذشته و وقتی آغاز شد که «حسین امیرعبداللهیان» وزیر امور خارجه ایران در نشست فوق‌العاده درباره جنگ غزه در ریاض شرکت کرد که رهبران سازمان همکاری اسلامی و ائتلاف عربی در آن شرکت کرده بودند. یک منبع مطلع ایرانی که در جریان این امور بود، به میدل ایست‌ای گفت، امیرعبداللهیان حامل پیامی برای آمریکا بود که قرار بود به مقامات عربستان سعودی منتقل کند. این پیام در واقع، پاسخ به پیامی بود که مدتی پیش از آن از سوی واشنگتن دریافت شده بود. او همچنین گفت، سپس، سعودی‌ها این پیام را به مقامات ارشد در واشنگتن منتقل کردند. یک منبع مطلع دیگر در وزارت امور خارجه ایران نیز به میدل ایست‌ای گفت، عربستان سعودی به همراه عمان، قطر و سوئیس که حافظ منافع آمریکا در ایران است، به‌عنوان کانالی ارتباطی میان دو کشور عمل کرده است. این چهار کشور از زمان عملیات «طوفان الاقصی» در ۷ اکتبر که از سوی جنبش مقاومت فلسطین علیه رژیم صهیونیستی انجام شد، بارها، فعالیت‌هایی برای میانجیگری انجام داده‌اند. به گفته منبع مطلع در وزارت امور خارجه ایران، تماس‌هایی که میان آمریکا و ایران رد و بدل می‌شند، در درجه اول، روی کنترل تنش‌ها و پرهیز از گسترش بیشتر تنش‌ها در غزه متمرکز بوده است. او همچنین گفت که تهران به آمریکا درباره پیامدهای احتمالی گسترش منطقه‌ای جنگ رژیم صهیونیستی در غزه در سطحی غیرقابل کنترل هشدار داده بود. در ادامه این گزارش آمده است: منبع اول می‌گوید از عربستان سعودی زمانی به‌عنوان یک کانال ارتباطی استفاده شد که تنش‌ها در پی ترور یکی از فرماندهان ارشد «محور مقاومت» در منطقه شدت یافت. پس از به شهادت رسیدن «رضی موسوی» یکی از فرماندهان ارشد نیروهای قدس سپاه پاسداران ایران به دست رژیم صهیونیستی در سوریه، یک هیئت سعودی در ۲۵ سپتامبر، با پیامی از واشنگتن مبنی بر خواست آن برای کنترل درگیری‌ها در غزه، به تهران سفر کرد. منبع اول که پیشتر به آن اشاره شد، می‌گوید آمریکا ارائه امتیازهای احتمالی از سوی رژیم صهیونیستی را پیشنهاد کرد؛ یکی شامل این بود که آمریکا از مقامات راست‌گرای افراطی در اراضی اشغالی حمایت نخواهد کرد که اکثریت کابینه «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند. به گفته این منبع، این موضوع منسروط بر این خواهد بود که ایران تلاش‌های ادعایی را برای احلال در تلاش‌ها برای برقراری روابط تمام‌عیار میان رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی متوقف کند. روند عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی در پی در گرفتن جنگ غزه متوقف شد. یک منبع مطلع ایرانی دیگر نیز به میدل ایست‌ای گفت، واشنگتن از کانال‌های ارتباطی سعودی برای اطلاع دادن به تهران درباره حملات علیه ارتش یمن استفاده کرده بود که در پی اقدامات رژیم صهیونیستی در غزه، حملاتی را علیه کشتی‌های مرتبط با آن در دریای سرخ انجام داده‌اند. در این پیام از ایران خواسته شده بود گروه‌های متحد خود را در طی حملات آمریکا علیه یمن کنترل کند. همچنین در این پیام ذکر شده بود که حملات علیه ارتش یمن، در ابتدا، چندان قوی نخواهد بود اما اگر تهران واکنش قدرتمندانه‌ای نشان بدهد، آمریکا پاسخ سختی خواهد داد. ادعای این منابع مطلع در گفت‌وگو با میدل ایست‌ای درباره پیام‌ها به ایران برای کنترل نیروهای مقاومت منطقه با بالا رفتن تنش‌ها در حالی مطرح می‌شود که ایران بارها تأکید کرده گروه‌های مقاومت در کشورهای منطقه، کاملاً مستقل و بنا بر صلاح‌دید و تصمیم خود در ارتباط با امنیت کشورهایشان و با حمایت از ملت مظلوم فلسطین عمل می‌کنند.